

بناام خدا

**ترجمه، خلاصه‌سازی و نقد مقاله  
خودمصاحبه‌گری: روشی جدید در پژوهش علوم اجتماعی**

دکتر مریم حسینی



واحد روش‌شناسی

۱۳۹۴

## مقدمه مترجم

کیتلی<sup>۱</sup>، پیکرینگ<sup>۲</sup> و آلت<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در مقاله خود با عنوان «خودمصاحبه‌گری: روشی جدید در پژوهش علوم اجتماعی»<sup>۴</sup>، شیوه جدید خودمصاحبه‌گری را به عنوان ابزاری تجربی برای استفاده در پژوهش‌های حوزه حافظه معرفی کرده‌اند. آنان در این مقاله با اشاره به برخی از محدودیت‌های روش‌شناختی مطالعات حافظه و به خاطر آوردن، تعدادی از شیوه‌های مورد استفاده برای پژوهش در این زمینه را مانند «یادداشت‌برداری‌های روزانه»<sup>۵</sup> و «فعال کردن خاطره»<sup>۶</sup> ذکر کرده و محدودیت‌های آنها را در مقایسه با خودمصاحبه‌گری مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

این پژوهشگران به منظور غلبه بر محدودیت‌های روش‌های پیشین طرح تحقیقاتی خود را با استفاده از روش خودمصاحبه‌گری اجرا کردند و در پایان نتیجه گرفتند که گرچه روش خودمصاحبه‌گری، پژوهش‌های حافظه را از شیوه‌های پژوهشی دیگر بی‌نیاز نمی‌سازد، روشی جدید است که جعبه ابزار روش‌شناختی به نسبت متنوع موجود را تا حدی تکمیل می‌کند.

نویسندگان، مقاله حاضر را در چند بخش تدوین کرده‌اند: مقدمه، محدودیت‌های روش مصاحبه سنتی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های شیوه‌های یادیار موجود، محاسن روش خودمصاحبه‌گری و نتیجه‌گیری، همچنین ارائه پیشنهاد برای به‌کارگیری این روش در حوزه‌های پژوهشی دیگر.

---

1. Keightley

2. Peckering

3. Allett

4. Keightley, E., Pickering, M. and Allett N. (2012). "The self-interview: a new method in social science research", International Journal of Social Research Methodology, Vol. 15, No. 6, 507-521.

5. diary

6. memory work

## مقدمه

نویسندگان مقاله بر این باورند که در دو دهه گذشته حوزه مطالعات حافظه با بهره‌گیری از دستاوردهای رشته‌های علمی گوناگون از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، رسانه و مطالعات فرهنگی رشد قابل توجهی داشته اما این پیشرفت با مشکلاتی همراه بوده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به خلاء بحث‌های انتقادی و جدی با رویکرد روش‌شناختی اشاره کرد؛ چنانکه این حوزه پژوهشی فاقد فهرستی از ابزارهای تجربی و چهارچوب‌های مفهومی معتبر برای پژوهشگران علاقه‌مند است. آنان برای تبیین اهمیت و ضرورت استفاده از روش خودمصاحبه‌گری در حوزه مطالعاتی حافظه و به یادآوردن خاطرات، به حوزه پژوهشی تاریخ‌نگاری و استفاده از حافظه به عنوان یک ابزار پژوهشی در این حوزه اشاره می‌کنند و نقش حافظه را در حوزه تاریخ شفاهی مورد تأکید قرار می‌دهند.

نویسندگان با وجود تأکید بر دیدگاه‌های اندیشمندان تاریخ شفاهی در بررسی خاطرات این نکته را خاطر نشان می‌کنند که در این بررسی‌ها بیشتر خود پدیده تاریخی مورد نظر است و حافظه موضوع فرعی و ثانویه پژوهش است. در حالی که در مطالعات حوزه حافظه، رویه‌های عملی<sup>۱</sup> و فرایندهای حافظه که دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است، تحت بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. با این همه، بدون مجموعه مشخص و متمایزی از رویکردهای روش‌شناختی نمی‌توان این رویه‌ها و فرایندها را مطالعه کرد.

در مطالعات تاریخ شفاهی، استفاده از مصاحبه کیفی، بررسی حافظه را درباره یک موضوع یا دوره تاریخی ممکن می‌سازد. بر این اساس نویسندگان مقاله حاضر معتقدند که باید کوشید، ظرفیت‌های مصاحبه کیفی در پژوهش‌های حوزه تاریخ شفاهی را به گونه‌ای تعدیل کرد و توسعه بخشید تا بتوان یادآوری زندگی روزمره<sup>۲</sup> را به عنوان موضوع اصلی آن بررسی کرد و نه به عنوان موضوعی ثانویه و فرعی. آنان در جریان این تعدیل‌ها، شیوه پژوهشی خودمصاحبه‌گری را مطرح کرده‌اند و بر این باورند که این روش برای بررسی روند یادآوری خاطرات زندگی روزمره راهگشا و مناسب است.

## روش خودمصاحبه‌گری

بنا به تعریف، مصاحبه، تبادلی دو سویه است که در جریان آن سؤال‌هایی پرسیده و پاسخ‌هایی داده می‌شود، تجربیات به اشتراک گذاشته و نگرش‌ها و دیدگاه‌هایی درباره موضوع‌هایی خاص مطرح و توضیح داده می‌شود. نویسندگان مقاله حاضر در پی بحث درباره شیوه جدیدی از این روش پژوهش بودند.

آنان روش خودمصاحبه‌گری را بر اساس نتایج به دست آمده از طرح پژوهشی خود مطرح کردند که در آن دو موضوع کلیدی مورد نظر قرار گرفته بود: نخست استفاده از فناوری‌های رسانه‌ای در زندگی روزمره برای اهداف خود بازنمایی<sup>۱</sup>، همراه با حفظ هویت‌های فردی و گروهی و همچنین تسهیل و تقویت اعمال و رویه‌های عملی به یاد آوردن خاطرات زندگی روزمره از طریق این فناوری‌ها. در طرح مقدماتی، پژوهشگران دریافتند که دو فناوری بیش از سایر فناوری‌های رسانه‌ای با حفظ و به خاطر آوردن مرتبط هستند: عکس‌ها و موسیقی‌های ضبط شده. بنابراین، در پژوهش حاضر، این دو رسانه به عنوان رسانه‌های یادآوری<sup>۲</sup>، مورد توجه قرار گرفتند. تجربیات حاصل از استفاده عملی از مصاحبه‌های فردی، خانوادگی و تشکیل گروه‌های متمرکز، همراه با ارزیابی رفتار شرکت‌کنندگان و کیفیت تولید داده‌های به دست آمده، پژوهشگران را به تفکر درباره توسعه یک رویکرد متفاوت به بررسی یادآوری خاطرات زندگی روزمره و نقش رسانه در مراحل و دوره‌های زندگی ترغیب نمود.

در جریان خودمصاحبه‌گری، شرکت‌کنندگان صدای خود را هنگام صحبت کردن درباره دو موضوع کلیدی نام‌برده ضبط می‌کردند. پژوهشگران در مصاحبه‌های اولیه در خلال یادآوری تجربیات زندگی روزمره شرکت‌کنندگان دریافتند برخی از آنان درباره آنچه قصد داشتند بازگو کنند، نیاز به تفکر و تعمق بیشتری دارند؛ در حالی که مصاحبه‌های سنتی و متداول مستلزم جریان داشتن واژه‌ها هستند و هر گونه ناپیوستگی و وقفه، اختلالی در روند مصاحبه محسوب می‌شود. بنابراین در مصاحبه‌های سنتی و متداول، یک مصاحبه در صورتی موفق ارزیابی می‌شود که سرشار از سخنان سیال باشد و جای خالی و وقفه در نسخه‌های پیاده شده مصاحبه، نشان‌دهنده خطا در آن است. در مقابل، طراحان شیوه خودمصاحبه‌گری، به پاسخگویان فرصتی را برای تفکر و تأمل بیشتر می‌دادند تا با آسودگی و آرامش بیشتری سخن بگویند و زمان بیشتری برای مرور ذهنی برخی

خاطرات یا ربط دادن برخی از آنها به یکدیگر و تفکر درباره تجربیات و مراحل زندگی داشته باشند که با دیدن عکس‌ها و شنیدن موسیقی به یاد می‌آورند. البته شرکت‌کنندگان به صرف پذیرش ضبط گفته‌های خود، به حال خود رها نمی‌شدند؛ چنانکه با آنان قبل از خودمصاحبه‌گری بحث‌هایی صورت می‌گرفت و جدول راهنمایی درباره حوزه‌هایی که باید درباره آنها صحبت می‌کردند، در اختیارشان گذاشته می‌شد. این حوزه‌ها، مشابه حوزه‌هایی بود که در مصاحبه‌های فردی نیز پوشش داده می‌شود با این تفاوت که حضور فیزیکی پژوهشگر و تلاش‌های او برای بازسازی از سکوت در جریان مصاحبه حذف می‌گردید. به طوری که هر زمان پاسخگویان مایل بودند می‌توانستند تکمه توقف دستگاه ضبط صدا را فشار دهند. این موقعیت فضایی جدید را برای آنان ایجاد می‌کرد که می‌توانستند روی برخی تصاویر و صداها تعمق کنند. به این ترتیب قادر بودند که خودشان زمان صحبت کردن درباره خاطراتشان و فرایندهای یادآوری خاطرات مرتبط با آن صداها و تصاویر و همچنین مدت طول کشیدن هر یک را مشخص کنند.

خودمصاحبه‌گری، روشی مناسب برای بررسی برخی خاطرات و موضوع‌هایی است که یکباره به ذهن فرد متبادر نمی‌شود و مستلزم دادن وقت کافی به اوست که با مرور یک دوره زمانی خاص در زندگی، واقعه مربوط یا آن تجربه خاص را بازایی کند و به یاد بیاورد. البته ممکن است یادآوری برخی خاطرات درباره یک تصویر یا موسیقی آزردهنده باشد، مانند خاطراتی که فرد آنها را به شخص متوفی یا عشق از دست‌رفته‌ای ربط می‌دهد؛ به طوری که نمی‌تواند درباره آنها به راحتی گفتگو کند. در جریان روش خودمصاحبه‌گری به افراد فرصت داده می‌شود تا دوباره با خاطرات و احساسات همراه با آنها مواجه شوند و آنها را درک، ترکیب‌بندی و در قالب کلماتی منسجم بیان کنند.

## شیوه‌های یادیار

نویسندگان مقاله، رویکرد جدید خود در ایجاد داده‌های خودجهت‌دهنده<sup>۱</sup> را مهلم از موضوع ارتباطات خاطره<sup>۲</sup> در پژوهش مصاحبه‌ای می‌دانند؛ چنانکه فرصت کافی برای به خاطر آوردن و تعمق در روش خودمصاحبه‌گری، فضای مناسبی را برای پاسخگو فراهم می‌آورد که بتواند رویه‌های عملی به خاطر آوردن را به یکدیگر مرتبط سازد. با وجود این، آنان معتقدند که

1. self - oriented  
2. communicatin of memory

کوشش‌های صورت گرفته برای یافتن روش‌های جدید و فراتر رفتن از محدودیت‌های مصاحبه‌های عمیق منحصر به شیوه خودمصاحبه‌گری نمی‌شود؛ به این ترتیب شیوه‌هایی را به عنوان یاد یار<sup>۱</sup> مطرح و آنها را با روش خودمصاحبه‌گری مقایسه می‌کنند. برای مثال، در روش فعال کردن خاطره<sup>۲</sup>، تجربیات به خاطر سپرده شده از طریق نوشتن داستان و تحلیل آن ضبط و بررسی می‌شود. در این روش، بررسی و مطالعه درباره خاطرات در سه مرحله به ترتیب ذیل صورت می‌گیرد:

- نوشتن و جمع‌آوری خاطرات با جزئیات آن به زبان سوم شخص

- تحلیل جمعی خاطرات با تمرکز روی معانی اجتماعی آنها نه معنایی که خود فرد می‌نگارد. این مرحله با بازنویسی خاطرات برای بیان آنچه که نوشته نشده و انتظار می‌رود که نوشته شود، دنبال می‌گردد.

- ارزیابی مجدد جمعی خاطرات شامل تحلیل مقایسه‌ای وسیع‌تر و مقایسه تمامی خاطرات نگارش شده.

محدودیت مهم و اساسی این روش مطالعه حافظه آن است که در بررسی خاطرات خاص و منفرد که به منظور تحلیل جمعی (جنبه‌های اجتماعی تحلیل) فرا خوانده می‌شوند، به خاطرات جدای از بافت و موقعیت‌های شکل‌گیری آنها پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر در این روش، اوضاع و احوالی که در آن خاطرات ایجاد شده‌اند و به معنادهی خاطرات کمک می‌کنند، در داده‌ها بروز و ظهور پیدا نمی‌کنند. بنابراین خاطره به عنوان یک «محصول» موضوع مورد مطالعه این روش است در حالی که در خودمصاحبه‌گری به خاطر آوردن به عنوان یک فرایند و همچنین رویه‌های عملی به خاطر آوردن زندگی روزمره به عنوان موضوع، مورد توجه قرار می‌گیرد. استفاده از دفترچه‌های یادداشت روزانه، شیوه دیگری است که با وقفه‌های موقتی در جریان جمع‌آوری داده‌ها، دچار اشکال نمی‌شود. این یادداشت‌ها، اغلب با تعیین یک چارچوب زمانی مشخص، اصول راهنما و موضوعی محوری که باید شرکت‌کنندگان همواره به آنها توجه کنند، کامل می‌شود.

روش یادداشت‌های روزانه نیز از نظر نویسندگان مقاله با محدودیت‌هایی همراه است؛ چنانکه روشنی و انعطاف شیوه مصاحبه را ندارد. در محتوای این یادداشت‌ها تأکید بر تعمق شخصی و معانی برداشت‌های فردی است و از نظر شکلی نیز بر نثری قراردادی و حفظ ساختاری داستان گونه تأکید می‌کند. در این روش با ثبت ترکیب یا خلاصه‌ای از جریان یادآوری در یک روز، یک هفته یا یک دوره زمانی، تفکرات افراد درباره به خاطر آوردن ضبط می‌شود نه اعمال به خاطر آوردن همان‌گونه که رخ داده است در حالی که در شیوه خودمصاحبه‌گری هم چگونگی تعمق بر روی به یاد آوردن و

هم رویه‌ها و فرایندهای عملی آن، هر دو ضبط می‌شوند. برای مثال، مکث‌های طبیعی و وقفه‌هایی که در این رویه‌های عملی ایجاد می‌شود، ضبط می‌گردد و حتی درباره چرایی آنها نیز تبیین‌هایی صورت می‌گیرد.

## معرفی روش خودمصاحبه‌گری

روند پژوهشی که منجر به معرفی روش خودمصاحبه‌گری شد، به گونه‌ای بود که ابتدا ۹۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت که در جریان آن با استفاده از ابزارهای فراخوان که شامل فناوری‌های رسانه‌ای (موسیقی و عکس) بود، افراد تشویق می‌شدند که درباره نقش عکس‌ها و موسیقی‌های ضبط‌شده در یادآوری تجربیات زندگی روزمره خود توضیح دهند. پژوهشگران در خلال مصاحبه‌ها دریافتند که در برخی موارد پرسشگری به تفسیرهای بی‌ربط و تصادفی منجر می‌گردد و فرصتی برای مکث و تعمق وجود ندارد. بر این اساس پژوهشگران کوشیدند که روش جدید خود یعنی مصاحبه‌گری را بر روی دو نفر اجرا کنند. پس از دستیابی به داده‌های قابل توجه، از خودمصاحبه‌گری به عنوان روشی مکمل در کنار مصاحبه‌های عمیق فردی و گروهی استفاده شد.

در روش خودمصاحبه‌گری به شرکت‌کنندگان برگه راهنمایی شامل پرسش‌های کلیدی داده شد که باید در زمان صحبت کردن و ضبط صدای خود مورد توجه قرار می‌دادند. پرسش‌هایی نظیر: مجموعه عکس‌ها و موسیقی شما چگونه هستند؛ در زندگی روزمره یا خانه شما چه جایگاه و نقشی دارند؛ آن عکس یا آهنگ خاص شما را به یاد چه چیزی می‌اندازد؛ با شنیدن آن موسیقی یا نگاه کردن به آن تصاویر چه احساسی پیدا می‌کنید؛ آیا می‌توانید آن احساسات را توصیف کنید؛ آن عکس‌ها یا موسیقی برای شما تا چه اندازه اهمیت دارد. البته شرکت‌کننده نباید خود را محدود به این پرسش‌ها کند و در مورد بحث درباره آنها احساس الزام و اجبار کند؛ چه بسا او جنبه‌های دیگری را درباره عکس‌ها و موسیقی‌ها برای پیوند آنها با گذشته مورد توجه قرار دهد.

## مزیت‌های روش خودمصاحبه‌گری

نویسندگان مقاله پس از شرح چگونگی اجرای روش خودمصاحبه‌گری با ذکر مثال‌هایی به محاسن و نکات ارزنده و راهگشای این روش تحقیق می‌پردازند که در این بخش به خلاصه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

در روش خودمصاحبه‌گری امکان تحلیل برخی از ویژگی‌های عمل به خاطر آوردن مانند مکث‌های طولانی که در مصاحبه‌های عمیق جنبه‌ای مخمل تلقی می‌شود، فراهم می‌گردد. در خودمصاحبه‌گری این مکث‌ها با هدف تعمق صورت می‌گیرد و همواره اختلال‌هایی که در الگو و ساختار روند عملی به خاطر آوردن و یادآوری فعالیت‌های روزمره وجود دارد، مورد توجه است:

«اکنون من مجبور هستم که ضبط را خاموش کنم، مهمان‌ها رسیدند. من کارم را بعد از سر خواهم گرفت [توقف]. بسیار خوب، اوم. من مجبور شدم به دخترم برسیم چون دیگر تنها نیستم. مجبورم صدایم را پایین نگه دارم، زیرا آنها فکر می‌کنند دیوانه شده‌ام. خوب، اوم، کجا بودم، اوه، بسیار خوب، داشتم درباره شیوه‌ای که از طریق آن ... صحبت می‌کردم.»

همان‌گونه که این مثال نشان می‌دهد، بی‌نظمی‌ها و اختلال‌هایی که در جریان به یادآوردن پیش می‌آید نه فقط با روش خودمصاحبه‌گری سازگاری دارد، بلکه فعالانه نیز ضبط می‌شوند و بینش‌هایی را درباره یکپارچه شدن جریان یادآوری با فرایندها و رویه‌های عملی زندگی روزمره مطرح می‌کند؛ چنانکه شرکت‌کنندگان می‌توانند در محدوده الزامات عملی زندگی خانوادگی خود، روند ضبط خاطرات را تنظیم و مدیریت نمایند.

در حالی که روش فعال کردن خاطره و یادداشت‌های روزانه به گونه‌ای سازمان یافته‌اند که در جریان آنها ضبط رویه‌های عملی فرایند به خاطر آوردن و تفکر درباره به خاطر آوردن به صورت هم‌زمان امکان‌پذیر نیست، در روش خودمصاحبه‌گری رویه‌های عملی به خاطر آوردن با تفکر درباره آن هم‌زمان صورت می‌گیرد. نمونه‌ای که در این بخش ارائه می‌شود، شاهد مثالی از این درهم آمیختگی است:

«من دارم به آهنگ چه روز خوبی برای رویاپردازی است، گوش می‌دهم، این آهنگ خاطره خاصی را تداعی می‌کند. آن، چیزی را مانند یک عکس به خاطر می‌آورد که کنار پنجره اتاق هم‌خانه‌ام ایستاده‌ام. ما، در سال ۱۹۶۷ دانشجو بودیم و می‌توانم حس کنم آن روز، روز داغی بود، اوم، نیمی از پنجره را آفتاب گرفته و نیمی دیگر در سایه بود. نمی‌توانم به خاطر بیاورم که چه چیزی پوشیده بودم، فقط می‌دانم تابستان بود. من به بیرون از پنجره نگاه نمی‌کردم، دلیلی را برای آن نمی‌توانم به یاد بیاورم. به طور دقیق نمی‌توانم به خاطر بیاورم که آن صدا از رادیو پخش می‌شد یا هم‌خانه‌ام ضبطی را روشن کرده بود. اما آن خاطره برایم بسیار روشن است.»

در این مثال عمل به خاطر آوردن به طور روشن ضبط شده است. عبارت «می‌توانم حس کنم، آن روز، روز داغی بود»، بعد شبه واقعی و عینی خود خاطره را نشان می‌دهد. گرچه این کیفیت حسی هم‌اکنون تجربه می‌شود (رویه عملی به خاطر آوردن) اما این روایت در عین حال بعد تعمقی نیز دارد؛ به این معنا که فرد درباره به خاطر آوردن خود، اندیشه هم می‌کند؛ چنانکه وقتی می‌گوید که آهنگ، خاطره‌ای مانند یک عکس را برای او زنده می‌کند، یا او نمی‌داند که چه چیزی پوشیده و به خاطر ندارد که آهنگ از رادیو پخش می‌شده است یا از ضبط صوت، به تمامی نشان‌دهنده تفکر او درباره فرایند به خاطر آوردن هستند. آنچه مهم است، تفکیک‌ناپذیری این دو جنبه از روایت (عمل به خاطر آوردن و تفکر درباره به خاطر آوردن) در خودمصاحبه‌گری است.



از نظر نویسندگان مقاله یکی از مزیت‌های دیگر روش خودمصاحبه‌گری حق انتخاب شرکت‌کننده در چگونگی بیان به خاطر آوردن تجربیات خود و تعمق روی آنهاست. برای مثال در نمونه زیر، گزارش شخص الف از عمل به خاطر آوردن خود، به طور کامل انتخابی است و در هیچ ساختار روایی نمی‌گنجد:

«یکی از چیزهایی که دوست دارم موقع دیدن تصاویرم در رایانه یا گوش دادن به موسیقی انجام دهم، تغییر صفحه کامپیوتر (زمینه) است، می‌دانید آن [تصویر] یک هوای ابری را نشان می‌دهد. آن یک هوای ابری است، خوب، واقعاً یک سه‌شنبه ابری است در اواسط ماه جولای من چه کار می‌کنم، آ، من صفحه نمایش رایانه را تنظیم می‌کنم. از زمینه‌ای استفاده می‌کنم که تصویر کروتیا<sup>۱</sup>، آدریاتیک<sup>۲</sup> یا چیزی شبیه آن را دارد. تصویری از یک روز تعطیل خیال‌انگیز یا جایی زیبا. من عاشق این کار هستم. من همواره عاشق تغییر دادن تصاویر هستم. این تصاویر بیشتر، تصاویر درخشش خورشید، تعطیلات یا اوقات خوش زندگی هستند. آ، من آنجا کمی گردش هم کرده‌ام.»

در این داده‌ها، بین خاطره‌های یادآوری شده با عکس‌ها و موسیقی، بین فعالیت‌های مورد علاقه فرد در زمان حال و خاطرات او از یک روز تعطیل با شکوه و همچنین بین سناریوی به خاطر آوردن با یک روز ابری ماه جولای که در زمینه فعلی رایانه است، پیوندی نامنظم برقرار می‌شود. حضور نداشتن مصاحبه‌گر و نبود واکنش‌های تعاملی بین مصاحبه‌گر و فرد شرکت‌کننده، به او امکان می‌دهد که زنجیره پیچیده تفکرات خود را ترکیب‌بندی و بین خاطرات گوناگون خود ارتباط برقرار کند (هر چند نامنظم و به ظاهر بی‌ارتباط).

در روش خودمصاحبه‌گری، ابعاد اجتماعی به خاطر آوردن نیز ضبط می‌شود. مثال زیر نشان می‌دهد که چگونه خودمصاحبه‌گری جنبه‌های فردی و اجتماعی به خاطر آوردن را متأثر می‌سازد:

«من در مدت یک دقیقه به آنچه که به آن عکس مربوط می‌شود، بر می‌گردم. اوم، در اوایل دهه ۹۰ ناگهان اتفاقی صورت گرفت. من و ال ازدواج کردیم. بچه‌ها به دنیا آمدند. من به زمان قبل از ترک خانه بر می‌گردم. اوم، ال بسیار منظم است. ال در جمع کردن عکس‌ها و کنار هم قرار دادن آنها خیلی دقیق است. او آلبوم‌های بسیار زیبایی می‌خرد. آنها بسیار تمیز و منظم هستند. ال در تنظیم آنها خیلی دقیق است. در کنار عکس‌ها تاریخ می‌زند. اوم، می‌دانید که زنان مجبورند همواره به یاد بیاورند. آنها نقش یادآوری‌کننده را در خانواده ایفا می‌کنند و این (جمع‌آوری عکس‌ها) یکی از موارد آن است. او یک آرشیویست است، آرشیویست خانواده و من علاقه زیادی دارم که او این کار را انجام دهد و من از آن بهره برده‌ام. بنابراین اکنون ما مجموعه قابل توجه و حیرت‌انگیزی از عکس‌های

مختلف داریم. عکس‌های خانوادگی، کودکان و رشد کردن آنان، تعطیلات و چیزهای معمولی. اما این عکس‌ها تنها یکی از چیزهایی است که من دوست دارم نگاه کنم.»

همان‌گونه که از این مثال مشخص می‌شود، سیاست‌های جنسیتی زندگی خانوادگی، رویه‌های عملی به خاطر آوردن و منابع آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ همچنان که درست کردن آلبوم و کمک به زنده نگه داشتن خاطرات خانوادگی مشترک به عنوان مسئولیت‌های خانگی زنان تلقی می‌شود. افزون بر این، از مثال حاضر چنین برمی‌آید که جنسیت [و نقش‌های اجتماعی مربوط به آن] نه تنها رویه‌های عملی به خاطرآوری را تحت تاثیر قرار می‌دهند، بلکه جنسیت و نقش‌های مربوط به آن نیز در جریان رویه‌های عملی فرهنگی به خاطر آوردن نیز فعالانه ساخته و بازسازی می‌شوند.

نویسندگان یکی دیگر از مزیت‌های خودمصاحبه‌گری را مناسب بودن آن برای افرادی می‌دانند که اعتماد به نفس کمی دارند و همواره درباره کافی بودن پاسخ‌های خود نگران هستند و در این خصوص تردیدها و پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند. شواهد مربوط به خود - هشجاری بیان‌کننده آن است که در مصاحبه‌های سنتی، شرکت‌کنندگان گفتار خود را بیشتر با توجه به ادراکاتشان از خواسته‌ها و الزامات مصاحبه‌گر صورت‌بندی می‌کنند. در نتیجه، این مصاحبه‌ها فاقد اطلاعات زمینه‌ای است که تبیین کاملی از ابعاد اجتماعی به خاطر آوردن را در زندگی روزمره ممکن می‌سازند.

در روش خودمصاحبه‌گری حضور نداشتن مصاحبه‌گر و ملزم نبودن به رعایت چارچوب و ساختار محاوره‌ای مؤدبانه، شرایطی را فراهم می‌کند که شرکت‌کنندگان به طور مستقل، فرآیند یادآوری خود را با توجه به بافت و زمینه، شرح می‌دهند و فضایی برای آنان ایجاد می‌شود که بدون احساس فشار برای هم‌نوایی با خواسته‌ها و انتظارات مصاحبه‌گر درباره اهمیت خاطرات خود تعمق می‌کنند. به اعتقاد نویسندگان، خودمصاحبه‌گری که مانند شیوه‌های پژوهشی دیگر در حوزه حافظه، بررسی حافظه و یادآوری را به منزله معنادهی به گذشته تلقی می‌کند، به دور از محدودیت و کاستی نیست؛ چنانکه روایت‌های حاصل از خودمصاحبه‌گری نیز مانند داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های عمیق به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر انتخابی و تک‌بعدی است و از زاویه‌ای خاص ساخته و پرداخته می‌شود. آنچه در این روش مصاحبه مهم است، محتوا و شکل این انتخاب‌ها و رابطه بین گذشته، حال و آینده است. با وجود مزایایی که برای خودمصاحبه‌گری بیان شد، نمی‌توان ادعا کرد که داده‌های حاصل از خودمصاحبه‌گری پایاتر و معتبرتر از روش‌های دیگر بررسی حافظه و به خاطر آوردن است. خودمصاحبه‌گری در واقع روشی است که با اجرای آن پاسخگویان شرحی با جزئیات مفصل‌تر و عمیق‌تر، مستقل از الزامات مصاحبه‌های سنتی درباره خاطرات زندگی روزمره خود مطرح می‌کنند. مصاحبه شونده‌ها آزادانه و به طور بی‌وقفه میان رسانه‌های اجتماعی یادیار (عکس‌ها و موسیقی) و خاطرات شخصی خود از آنها سیر می‌کنند. در این روش، شیوه‌هایی بررسی می‌شود که به

واسطه آنها این رسانه‌ها تعاملات بین خاطرات و همچنین رابطه بین تجربه گذشته و حال را زنده می‌کنند.

## نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که خودمصاحبه‌گری ابزاری با ارزش برای پژوهش درباره به خاطر آوردن است، همان گونه که در زندگی روزمره صورت می‌گیرد. انعطاف‌پذیری زمانی و همچنین نبودن مصاحبه‌کننده و امکان حذف الزامات مصاحبه‌های سنتی مانند اختلال تلقی نکردن مکث‌ها و وقفه‌های طولانی و توجه به آنها به منزله بخشی از رویه معمول به خاطر آوردن، این روش را از امتیازاتی برخوردار کرده است. گزارش کردن و ضبط خاطرات و همچنین افکار مربوط به رویه‌های عملی به خاطر آوردن که با توجه به دفترچه راهنما (از قبل در اختیار مصاحبه‌شونده قرار می‌گیرد) ثبت می‌شود، این روش را به روشی متفاوت از دیگر روش‌های مطالعه حافظه مانند دفترچه خاطرات و فعال کردن خاطرات می‌نمایاند. در نتیجه، در این روش هم رویه عملی به خاطر آوردن و هم معنای آن از نظر فرد، برای تحلیل در دسترس قرار می‌گیرد.

نویسندگان ضمن بر شمردن مزیت‌های متعدد این روش، به برخی از محدودیت‌های آن نیز اشاره می‌کنند؛ آنان متذکر می‌شوند که اجرای این روش برای تمامی شرکت‌کنندگان، ضروری نیست و از سوی دیگر ممکن است به کارگیری آن برای تمامی مطالعات حوزه حافظه نیز موفقیت‌آمیز و راهگشا نباشد. آنچه که بدیهی است، مناسب بودن این روش در رویکردهای چند روشی است. همچنین این روش می‌تواند به استفاده از رسانه‌های دیگر برای بررسی حافظه تسری یابد و افزون بر حافظه در مطالعه حوزه‌های دیگر زندگی روزمره نیز کاربرد داشته باشد.

پیشنهاد نویسندگان مقاله این است که هر زمان داده‌های مشروحی درباره رویه‌های عملی یادآوری خاطرات زندگی روزمره همراه با معانی آن از نظر شرکت‌کنندگان پژوهش مورد نیاز است، استفاده از روش خودمصاحبه‌گری از ارزش فراوانی برخوردار است.

## نقد مقاله

در این مقاله، روش خودمصاحبه‌گری به عنوان روشی مکمل و در کنار سایر روش‌های کیفی مانند روش مصاحبه عمیق و مصاحبه گروهی معرفی شده است. به زعم نویسندگان مقاله، این روش فارغ از چارچوب‌های تحمیلی مصاحبه‌های ساختاریافته، نیمه ساختاریافته و عمیق است و همچنین حضور مصاحبه‌کننده به شرکت‌کننده امکان می‌دهد که رویه‌های عملی به خاطر آوردن و تفکرات خود درباره این رویه‌ها را آزادانه و بدون احساس فشار، بازگو و ضبط و ثبت کند.

یکی از نکات مهم در این روش و سایر روش‌های پژوهش، تنظیم و هدایت روند پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها برای دستیابی به اهداف و پاسخگویی به پرسش پژوهش است. در انواع مصاحبه‌های کیفی، این فرد مصاحبه‌کننده است که کم و بیش به روند جمع‌آوری داده‌ها سمت و سو می‌دهد و آنها را در جهت پاسخگویی به مسائل پژوهش رهنمون می‌سازد. در روش خودمصاحبه‌گری این مشکل از طریق فهرست راهنمایی که قبل از شروع خودمصاحبه‌گری در اختیار فرد قرار می‌گیرد، مرتفع می‌شود. به نظر می‌رسد که این راهکار نیز دور از محدودیت نیست؛ با توجه به نقش خودگرداندگی فرد در اجرای روش حاضر، این پرسش مطرح می‌شود که فرد شرکت‌کننده تا چه اندازه به موارد مطرح در این فهرست، دقت و توجه می‌کند؛ از آن گذشته چه تضمینی وجود دارد که فرد تا پایان مصاحبه انگیزه لازم را برای اجرای آن داشته باشد؛ همچنین فرد تا چه اندازه در اجرای فهرست راهنما دقیق و متعهدانه عمل می‌کند.

بر این اساس به نظر می‌رسد که افراد مناسب برای خودمصاحبه‌گری، باید دارای ویژگی‌هایی خاص و انگیزه کافی برای شرکت در پژوهش و رعایت الزامات آن باشند که مشخص شدن این موارد نیز در گرو شناخت دقیق آنان با توسل به شیوه‌های گوناگون است که در مقاله حاضر به آنها پرداخته نشده است. بنابراین، می‌توان پرسید که آیا روش خودمصاحبه‌گری را می‌توان به عنوان روش پژوهشی مستقلی دانست که به نتایج معتبر و قابل اعتنا و اعتمادی می‌انجامد یا آن را تنها می‌توان در کنار روش‌های پژوهشی دیگر برای کمک به غنی‌سازی داده‌ها و تفسیر نتایج آنها به کار برد؛ آیا پیشنهاد پژوهشگران برای استفاده از خودمصاحبه‌گری در طرح‌های پژوهشی چند روشی الزام‌آور است یا تنها در حد یک توصیه می‌توان آن را پذیرفت.

از آنجا که روش خودمصاحبه‌گری، روشی جدید و دستاورد طرح پژوهشی نویسندگان مقاله است، شایسته بود که به تمامی مراحل اجرایی آن از جمله روش تحلیل داده‌ها به گونه شفاف و روشن، حتی به صورت بسیار مختصر اشاره می‌شد. البته دور از انتظار نیست که این روش جدید در طرح‌های پژوهشی آینده نویسندگان به صورت کامل‌تر و با توجه به جزئیات دقیق‌تر مراحل آن، اجرا شود و نتایج در منابع معتبر پژوهشی انتشار یابد تا به این ترتیب بتوان به برداشت واقعی و عینی‌تری درباره ظرفیت‌های این روش مصاحبه و چالش‌های آن در عمل دست یافت.